

معماری موزه در گذر زمان

الهام حاتم‌گلزاری

کارشناس ارشد معماری، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر



موزه مکانی است که به فرد القاء می‌کند که به چه چیز و چگونه بیاندیشد. موزه‌ها مکان‌هایی هستند که تاریخ را شکل می‌دهند. مجموعه‌هایی که تاریخ را جمع‌آوری نموده و به نمایش در می‌آورند. بنابراین موزه‌ها می‌توانند در سیر تحول فکری جامعه تأثیرگذار بوده و به عنوان یکی از ابزارهای اقتدار مورد سوء استفاده واقع شوند. بنابراین شناخت موزه‌ها و نقد معماری و روند کار آنها از مسایل مهمی است که امروزه باید مورد توجه قرار گیرد. در این نوشته سعی شده است تا تحولات معماری موزه‌ها در طول دوره‌های تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.



واژه‌شناسی

کلمه‌ی موزه را از واژه‌ی یونانی (Mousein) گرفته‌اند. Mousein نام تپه‌ای بوده است در آن که در آن عبادت‌گاهی برای موزه‌ها که نه الهه‌ی هنر و صنعت بوده‌اند، ساخته شده بود. موزه‌ها (muse) دختران ژوپیتر بودند که الهام‌بخش علم ادبیات، هنر، موسیقی، حجاری و ... محسوب می‌شدند. موزه (Mousee) تلفظ فرانسوی این واژه و موزیم (Museum) تلفظ انگلیسی آن است. از حدود سال ۱۲۹۰ هجری قمری این کلمه با تلفظ فرانسوی آن در ایران رایج شد. در افغانستان شکل انگلیسی واژه رایج است.

تعریف موزه

«شورای بین‌المللی موزه‌ها، ایکوم» (museum international council) مصوب یازدهمین مجمع عمومی ایکوم مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۷۴ که زیر نظر یونسکو فعالیت می‌کند در بند سه و چهار اساسنامه‌ی خود موزه را این گونه تعریف کرده‌است:

«موزه موسسه‌ای است دائمی و بدون هدف مادی که درهای آن به روی همگان باز است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند. هدف موزه‌ها، تحقیق در آثار و شواهد به‌جای مانده از انسان و محیط زیست او، گردآوری آثار، حفظ و بهره‌وری معنوی و ایجاد ارتباط بین این آثار، به ویژه به نمایش گذاردن آن‌ها به منظور بررسی و بهره‌مندی است.»

بند ب ماده‌ی ۱۴ اساس‌نامه ایکوم علاوه بر موزه‌هایی که بدین ترتیب تعیین گردیده‌اند، موارد مشروحه‌ی زیر را نیز مشمول تعریف یاد شده در بند سه تشخیص می‌دهد:

«محل‌ها و آثار باستانی، طبیعی، مردم‌شناسی و تاریخی که به علت فعالیت در زمینه‌ی گردآوری، حفظ و نگهداری و نمایش آثار باستانی دارای ماهیت موزه‌ای باشند.»

ماهیت موزه

موزه مکانی است که به شما القاء می‌کند که به چه چیز و چگونه بیندیشید. موزه‌ها مکان‌هایی هستند که تاریخ هنر را شکل می‌دهند. مجموعه‌هایی که تاریخ را جمع‌آوری نموده و به نمایش در می‌آورند. موزه‌ها بر سیر تحول فکری جامعه تأثیرگذار بوده و به عنوان یکی از ابزارهای اقتدار مورد سوء استفاده واقع می‌شوند.

براین اساس خصوصی‌سازی در موزه‌ها شکل گرفته و رواج پیدا می‌کند. چرا که هر موزه در تبیین تاریخ هنر نقش ایفا می‌کند. به عنوان مثال موزه‌های غربی مجموعه‌هایی هستند که تاریخ هنر رایج و سنتی را تقویت می‌کنند. موزه‌هایی که در دوره‌های جدید تأسیس می‌شوند اکثراً موزه‌های هنرهای مدرن هستند. موزه‌ی هنرهای مدرن محصول مدرنیسم و در عین حال یکی از پایه‌های مدرنیسم محسوب می‌شود.

استاد تاریخ هنر داگلاس کرایمپ (Dauglas Crimp) و نویسنده‌ی مجله‌ی اکتبر (October) معتقد است که در طراحی موزه‌ها به عنوان یکی از محصولات مدرنیسم باید از راه حل‌های پیشنهادی فوکوکه در مورد طراحی بیمارستان بیمارستان و زندان پیشنهاد داده بود، استفاده شود. چرا که موزه‌ها نیز مانند این بناها دارای ماهیت محدودکننده بوده و بینندگان را از خود می‌رانند.

امروزه مجموعه‌های هنری موزه‌ها متعدد گردیده و احتیاج به تخصصی نمودن موزه‌ها اجتناب‌ناپذیر است. موزه‌ها دیگر، فضاهای نمایشگاهی صرف نبوده و به نوعی فضای زندگی و گذران اوقات فراغت و در عین حال فضای آموزنده محسوب می‌شوند.

نگاهی به سیر تحول معماری موزه‌ها

همان‌طور که گفته شد ریشه‌ی کلمه‌ی موزه از معابد گرفته شده است. در تیپولوژی موزه‌ها در مرحله نخست با کاخ موزه‌هایی برخورد می‌کنیم که با ملی شدن کاخ‌ها به وجود آمده‌اند. این نوع موزه‌ها به عنوان موزه بنا نشده‌اند اما از سالن‌ها و راهروهای این بناها به عنوان گالری استفاده می‌شود. در این نوع بناها علاوه بر بنا، مکان هم به معنای واقعی کلمه ملی و عمومی شده‌اند مهم‌ترین آن‌ها موزه لوور فرانسه می‌باشد. ساختمان این موزه قبل از انقلاب کبیر فرانسه یکی از کاخ‌های سلطنتی بوده که در آن آثار بارزش هنری نگهداری می‌شد(به عنوان موزه سلطنتی). پس از انقلاب کبیر، در سال ۱۷۸۹ موزه و آثار موجود به مردم فرانسه اهدا شد و در سال ۱۷۹۳ تبدیل به موزه‌ی ملی فرانسه شد. در این دوره سازماندهی دوباره‌ی موزه‌ی لوور به شرکت آمریکایی ورنر جانسون و مشاوران واگذار شد. در نتیجه‌ی مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها هرم شیشه‌ای معروف لوور هم متعاقباً به مجموعه‌ی کاخ اضافه گشت.

بعد از این دوره موزه‌هایی تحت تأثیر معماری رایج طراحی شد که یادآور

گشوده شد و پس از بازسازی در سال‌های ۹۷ و ۹۹، در سال ۲۰۰۰ با افزایش محوطه‌ی موزه و در فضای بیشتری دوباره شروع به کار کرد. از آن زمان این مرکز دوباره به یکی از مناطق دیدنی فرانسه بدل شد، سالانه شش میلیون نفر از آن دیدن کرده و در مجموع در طول ۲۵ سال تاسیس آن ۱۵۰ میلیون نفر بازدیدکننده داشته است.

مرکز ژرژ پومپیدو دارای یکی از مهم‌ترین مراکز هنری جهان با آثار هنری مدرن و معاصر از اروپا، کتابخانه‌ی عمومی و مرجع، تاریخ هنر قرن بیستم سالن‌های نمایش و سینما، موسسه‌ی پژوهش‌های موسیقی، فضاهای آموزشی کتاب‌فروشی، رستوران و بار است.

این مرکز هر سال بدون ایجاد خللی در فعالیت‌های میان رشته‌ای و به منظور رسیدن به هدف اصلی خود، یعنی آگاهی رساندن در تمام رشته‌های خلاق قرن بیستم و البته هزاره‌ی جدید، به برپایی سی نمایشگاه برای عموم، در دوره‌های سینمای داستانی، سینمای مستند، کنفرانس و همایش، کنسرت، اجرای رقص و فعالیت‌های آموزشی در سطح بین‌المللی اقدام می‌کند که بسیاری از آن‌ها در سایر نقاط فرانسه یا جهان برگزار می‌شوند.

معماری این مرکز طبعاً باید برنامه‌های میان رشته‌ای، سهولت رفت‌وآمد و دسترسی آسان به محل نمایشگاه‌ها را تامین می‌کرد که دو آرشیو جوان سازنده‌ی این ساختمان با کنار گذاشتن ساختارهای محدود و به سبک دهه‌ی ۶۰ طرح جدیدی را ارایه‌ی دادند که در آن ساختارهای فرعی و محل‌های رفت‌وآمد مثل پله برقی خارج از ساختمان قرار می‌گیرد و به این ترتیب فضای بیشتری از داخل ساختمان به انجام فعالیت‌های مختلف و محل موزه اختصاص یافته است. از نمای غربی ساختمان که شیشه‌ای است، می‌توان داخل آن را دید.

مرکز ژرژ پومپیدو از چندین بخش تشکیل شده است: موزه‌ی ملی هنرهای مدرن، مرکز خلاقیت‌های صنعتی (MNAM/CCI)، بخش توسعه‌ی فرهنگی (DDC)، کتابخانه‌ی عمومی مرجع (Bpi) و موسسه‌ی پژوهش‌های موسیقی و صوت‌شناسی (IRCAM).

مکان عبادت بودند. این نوع بناها در اذهان عمومی تاثیر عمیقی داشته و اولین تصاویری هستند که با شنیدن کلمه موزه در ذهن اشخاص به وجود می‌آیند. بناهایی که بر صفه قرار گرفته، دارای ورودی ستون‌دار و پله‌های عریض و بزرگ بوده و سنتوری در بالای ورودی قرار گرفته است. این بناها در نگاه اول حس یک عبادت‌گاه را در فرد ایجاد می‌کنند.

بنابراین گفته‌های مارینتی (Marinetti) که در سال ۱۹۰۹ در روزنامه‌ی فیگارو (Figaro) به چاپ رسیده بود، چندان تعجب‌آور نیست: «موزه‌هایی را که مخفی‌گاه بازماندگان مقدس گذشته هستند، ویران خواهیم کرد».

چرا که این نوع معماری باعث به وجود آمدن حس حقارت در انسان می‌شود. به همین دلیل نیز در مقابل هر اثری که می‌بینیم بی قید و شرط سر تسلیم فرود می‌آوریم. در این تیپولوژی است که موزه‌ها و بناهای دینی تشابهات زیادی با یکدیگر دارند، چرا که تقریباً تشریفات یکسانی را رعایت می‌کنند؛ شما در آن‌ها آرام صحبت می‌کنید به چیزی دست نمی‌زنید که وقتی خارج می‌شوید بیشتر می‌دانید.

از این دوره به بعد و با آغاز مدرنیسم، موزه‌های هنر مدرن برای شکستن این پیشداوری‌ها طراحی و اجرا می‌شوند و دعوت کنندگی و شفافیت در معماری این بناها بسیار چشم گیر است. مرکز ملی فرهنگی و هنری ژرژ پومپیدو، در پاریس و گالری نئونشنال آلمان بهترین نمونه‌های این نوع موزه‌ها هستند. گالری نئو نشنال یکی از شش رکن اصلی در شکل‌گیری نئو نشنال گالری برلین است که ترکیب زیبای بناهای قدیمی را با معماری مدرن به نمایش می‌گذارد.

مرکز ژرژ پومپیدو

این مرکز با معماری منحصر به فردش که نمادی از معماری قرن بیستم است در قلب شهر پاریس واقع شده است. طراحان آن رنزو پیانو و ریچارد راجرز بوده‌اند. درهای موسسه‌ی ژرژ پومپیدو در سال ۱۹۷۷ برای نخستین بار به روی مردم

ریچارد راجرز، رنزو پیانو، مرکز ژرژ پومپیدو، فرانسه





ای. ام. پای، هرم شیشه‌ای موزه‌ی لوور، فرانسه

دعوت‌کنندگی، ترکیب موزه لوور و هرم شیشه‌ای

هرم موزه لوور به سفارش فرانسوا میتران رییس‌جمهور وقت فرانسه (۱۹۸۱-۱۹۹۵) توسط ای. ام. پای (I. M. Pei) معمار آمریکایی - چینی برنده‌ی جایزه معماری پریتزکر و یکی از مشهورترین معماران سبک مدرنیسم ساخته شده است. میتران برطبق برنامه‌ی عظیمی که برای ساختن بناهای جدید در پاریس اجرا کرد، قصد داشت تادروازه پیروزی (Arc de Triomphe) و دروازه بزرگ برادری (Grande Arche de la Fraternité) را که در محور تاریخی پاریس قرار داشتند با هرم لوور به هم متصل سازد. این هرم که به هرم «پی» معروف است، نمای ورودی موزه است و بازدیدکنندگان از طریق این ورودی به سرسرای گالری‌های اصلی موزه وارد می‌شوند.

هرم اصلی از شبکه‌های در هم آمیخته‌ی فولادی تشکیل شده است که از داخل به هم پیوسته‌اند و با شیشه‌های منعکس‌کننده‌ی نور، پوشانده شده‌اند. این هرم از سمت دیگر و در جهت مخالف تا طبقه‌ی زیر زمین ادامه دارد و به این دلیل معکوس شده است تا نور بیشتری را تولید کرده و فضای زیر زمین را نیز روشن کند.

از زمان ساخته شدن این بنا انتقادهای فراوانی نسبت به آن صورت گرفته است. بعضی معماری مدرن این هرم را ناهماهنگ با معماری کلاسیک موزه تصور می‌کنند. در عین حال بعضی دیگر از منتقدین معتقدند که این بنا می‌تواند تضاد بین معماری مدرن و کلاسیک را به‌خوبی نشان دهد.

می‌توان گفت که مرکز پومپیدو و یا هرم موزه‌ی لوور هر دو در حقیقت منعکس‌کننده‌ی معماری زمان خود هستند، هرچند که با محیط اطراف خود متفاوت دیده می‌شوند. اما همین تفاوت بین بنای پومپیدو با بافت سنتی پاریس و یا تفاوت هرم لوور با ساختار اصلی خود موزه حس کنجکاو را در بینندگان به‌وجود آورده و این نیز نوعی دعوت‌کنندگی محسوب می‌شود.

موزه‌های کارخانه‌ای، جدیدترین موزه‌های هنر مدرن

موزه تیت که از موزه‌های هنرهای مدرنی است که در این اواخر تاسیس

شده، در تیپولوژی موزه‌های کارخانه‌ای قرار می‌گیرد. تبدیل این گونه بناها هم از لحاظ اقتصادی به صرفه می‌باشد و هم باعث می‌شود که ساختمان‌های کارخانه‌های قدیمی که اکنون در مرکز شهرها قرار می‌گیرند، دوباره مورد استفاده قرار گیرد.

طراحی این ساختمان در یک مسابقه‌ی بین‌المللی که تعداد زیادی از مطرح‌ترین نام‌های معماری امروز در آن شرکت کرده بودند، با برنده شدن طرح شرکت سویسی هرزوغ و دمورن به این شرکت واگذار شد که در ماه مه همان سال برنده جایزه معتبر معماری پریتزکر شد.

معماران انگلیسی از مکان یابی موزه تیت در پست برق بانکساید (bankside) ابراز نارضایتی نموده بودند، اما در حال حاضر می‌بینیم که با این تصمیم هم احداث موزه با هزینه‌ی کمتری فراهم شد و هم موزه در مرکز شهر باقی ماند.

مکان‌یابی

مکان‌یابی موزه‌ها نیز اهمیت بسیار زیادی دارد. برای تقویت دعوت‌کنندگی در موزه‌ها ترجیحا بهتر است که موزه‌ها در محل‌های پرتردد و ترجیحا در مراکز شهرها احداث گردند. اما نبود زمین مناسب برای طراحی موزه در مراکز شهرها و مشکلات اقتصادی باعث می‌شود که تبدیل بناهای تاریخی به موزه برطراحی و اجرای بناهایی با کاربری موزه ترجیح داده شود. بنای موزه‌ها رفته رفته بیشتر وارد جریان زندگی می‌شوند. مردم نیز به جای بناهای رعب‌آور که آن‌ها را در خود فرو می‌برد، بناهایی گرم و صمیمی را ترجیح می‌دهند که برای زندگی کردن خوشاینداند.

شهر و موزه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. به‌عنوان مثال یکی از اهداف اصلی در احداث موزه گوگنهایم بیلپائو که توسط فرانک گهری در سال ۱۹۹۷ طراحی و با صرف هزینه‌های بسیار زیاد ساخته شد، زنده کردن فضای این شهر صنعتی بود. هرچند که بنا مدتی در تامین این خواسته موفق بود، اما هزینه‌ای که اکنون این بنا از هزینه‌های شهری به خود اختصاص می‌دهد قابل مقایسه با درآمدی نیست که برای شهر ایجاد می‌کند. بنابراین موزه‌های بزرگ در مرکز یک شهر پرتحرک می‌تواند در تحرک بیشتر آن شهر نقشی موثر ایفا کند.